

از یک گزارش دریافتی

بلوچستان ایران جبهه ضد اصلاحات و سپاه پاسداران در فاجعه امروز منطقه

آنچه را می خوانید، گزارشی است که راه توده دریافت کرده است. نویسنده گزارش، آنگونه که از محتوای گزارشش بر می آید از روزنامه نگاران و یا گزارشگران همراه تیم های ریاست جمهوری - محمد خاتمی- در سفر به مناطق مختلف ایران بوده است. این که چکاره بوده است، برای ما اهمیت چندانی ندارد و در پی کشف آن نیز نیستیم، اما اینکه چه دیده و چه شنیده برایمان بسیار هم مهم است. به همین دلیل بخش هایی از این گزارش را برای آگاهی عمومی منتشر می کنیم و بخش های دیگری را برای آگاهی خود حفظ کرده و بنابر ملاحظاتی که نیاز به توضیح آن نیست قابل انتشار نمی دانیم.

گزارش، از منطقه و از غفلت هایی سخن می گوید که امروز بصورت دمّلی چرکین در منطقه بلوچستان سر باز کرده و به آدم ربائی، حمله به کاروان های سپاه و نیروی انتظامی، انفجار در زاهدان و اعدام های دولتی انجامیده است. مقدمه ای برای تنش ها و تشنج های بزرگتر، در آینده ای پرحادثه تر از امروز.

خلاصه گزارش دریافتی را می خوانید:

اسفند ۱۳۷۶. من از خبرنگاران همراه خاتمی در سفر به بلوچستان بودم. برای افتتاح چند پروژه به چابهار رفتیم. استقبال بلوچ ها از خاتمی همه همراهان خاتمی را غافلگیر کرده بود. اهل سنت و چنین استقبالی از یک روحانی شیعه و سید!

خیلی زود فهمیدیم محبوبیت او نزد بلوچ ها بخاطر اجازه ای بود که در دوران وزارتش در وزارت ارشاد، جهت ساخت مسجد جامع اهل سنت در چابهار صادر کرده بود. ما بتدریج می فهمیدم که آنچه او در باره آزادی دین و مروت و اندیشه می گوید، در وجود او ریشه ای استوار و قدیمی دارد. نان را به نرخ روز ریاست جمهوری نخورده بود.

پس از رفتن او از راس وزارت ارشاد که زیر فشار احمد جنتی و حسین شریعتمداری صورت گرفت، قتل های مذهبی از میان روحانیون سنی و مسیحی در برنامه سعید امامی معاون سیاسی وزارت اطلاعات دوران علی فلاحیان قرار گرفت. اجازه ساختن مسجد عادی هم دیگر برای اهل تسنن صادر نشد. آنها که چنین کردند، کوتاه بین تر از آن بودند که توطئه امروز برای جنگ میان شیعه و سنی در ایران و در منطقه را ببینند و پل های پشت سر را ویران نکنند.

خاتمی در انتخابات سال ۱۳۷۶ دومین در صد رای را در سیستان و بلوچستان بدست آورد. فقط درصد رای در استان یزد بالاتر از سیستان بود. شاید حدود ۸۲ در صد آرای ماخوذه استان سیستان و بلوچستان به او تعلق گرفت و این مرهون سیاست تساهل مذهبی او در قبال اهل تسنن و بلوچ ها بود. در دوران ریاست جمهوری او اصلاح طلبان برنامه های توسعه منطقه آزاد چابهار سرعت گرفت و گزارش های آن در مطبوعات نیز منتشر شد. در دوران مهندس سمیعی که دومین مدیر عامل منطقه آزاد چابهار بود شرکت هایی که در آن منطقه

فعالیت می کردند تا ۱۵ سال از مالیات معاف شدند و پسر خاله خاتمی بنام حسین نصیری معاونت رئیس جمهور را با سمت دبیر شورای عالی مناطق آزاد بر عهده گرفت. مردی خوش فکر و پر تلاش از میان رهبران حزب مشارکت. من او را بارها در میان دیگر رهبران مشارکت و مصاحبه های خبری دیده بودم.

در آن سالها همه اطرافیان خاتمی متمرکز شده بودند روی پیشرفت بلوچستان و بویژه منطقه آزاد چابهار. از موسوی لاری وزیر کشور تا یونسی وزیر اطلاعات. در این میان امثال احمد شیرزاد، هادی خامنه ای، آیت الله توسلی، آیت الله مروی که معاون قوه قضاییه بود، دکتر نجفی رئیس برنامه و بودجه نیز هر کدام یک گوشه کار را گرفته بودند و این نشان میداد که در جلسات هیات دولت و یا مذاکرات خاتمی با اطرافیانش، مسئله ضرورت توجه به بلوچستان و خنثی کردن توطئه های قومی در دستور کار بود. همه بشدت و حدت، پیشرفت برنامه های عمرانی را پیگیری می کردند. ظاهرا قرار بود خیلی اتفاقات بیفتد.

جناح راست که از گنجی ضربه دوم خرداد خارج شد توسط امام جمعه و نماینده ولایت فقیه به نام حجت الاسلام موسوی با همکاری بسیجیان شروع به دخالت و کارشکنی در منطقه آزاد چابهار کرد.

همین موسوی که سهم زیادی در آشفتگی های امروز منطقه و بر پا شدن عملیات تروریستی و مسلحانه دارد، در هفته دولت در شهریور سال ۱۳۷۹ با همکاری بسیج به ارکسترهای موسیقی قانونی که بدعوت شرکت ها برای رونق بخشی به جشن و داغ کردن بازار خرید و فروش کالا به منطقه می رفتند حمله کرد و آنها را به وضع اسفباری متواری ساخت. او می خواست ثابت کند قدرت نه در اختیار خاتمی، بلکه در دست خامنه ایست و او نماینده قدرت. الحق در این کار موفق عمل کرد و اوضاع کنونی بلوچستان را موجب شد. منطقه ای که خود خامنه ای به اتکاء یک دوران کوتاه تبعید به آنجا در زمان شاه، خود را کارشناس منطقه هم می داند. و دیدیم و دیدند میزان اطلاع و اشراف وی را به منطقه ای که اکنون عملا درگیری جنگ منطقه ای شده و در تیول شبکه های قاچاق مواد مخدر، القاعده و توطئه های بلوچستان بزرگ و جدائی از ایران است.

همان زمان در مطبوعات وقت از نبودن بانک و بیمه خارجی بعنوان دو ضعف بزرگ منطقه چابهار می نوشتند که به دلیل آن عملا هیچ شرکتی نتوانست در چابهار سرمایه گذاری کند. اما جبهه متحد ضد اصلاحات که گرفتار کوتاه بینی بود و همه چیز را تا نوک بینی بیشتر نمی دید، اجازه رفع این دو ضعف را به دولت نداد.

همه چیز را کد شد، مگر فعالیت های نظامی! نیروی دریایی سپاه پاسداران در چابهار اراضی وسیعی را غصب کرد و در حاشیه شهر و در همسایگی منطقه آزاد یکی از فعال ترین بنادر غیر قانونی را بوجود آورد که روزی کروی در مجلس تهدید به افشای آن کرد.

همان زمان گزارش مستندی با عکس در اختیار رئیس مجلس قرار گرفته بود که نشان می داد شب ها کشتی های بزرگ در وسط دریا لنگر می اندازند و واردات غیر قانونی در حدی است که بعلت پائین بودن ظرفیت لنگرگاه سپاه امکان پهلو گرفتن همه کشتی نبود. کشتی ها در دریا آرام می گرفتند و لنج های متعلق به سپاه پاسداران محتویات کشتی را کانتینر خالی و در لنگرگاه نیروی دریایی سپاه در چابهار منتقل می کردند.

از همین راه بسیاری از کالاهای قاچاق از امارات با ایران آمد، بدون پرداخت عوارض گمرکی. کالاها توسط تریلی هایی که وابستگان مافیای قاچاق در اختیار داشتند- پس این که توسط نیروی انتظامی پلمب می شدند تا هیچ نیرویی در بین را مانع آنها نشود- بسوی بازارهای فروش رهسپار می شدند. منطقه آزاد چابهار و هر نوع آبادانی در بلوچستان خلاصه شد در همان بندری که در اختیار سپاه بود و کالائی که از این طریق قاچاقی وارد منطقه شده و به تهران و نقاط مرکزی کشور منتقل می شد.

حتی از انتشار خبر و گزارش تصویری طرح ویلاهای ویژه منطقه آزاد جلوگیری شد. گروه های پاسدار به اکیپ های نقشه برداری شبیخون می زدند و نفرات را با تمام تجهیزات نقشه برداری توقیف کرده و با خود می بردند. دیماه سال ۱۳۷۹ خبرها به روزنامه ها می رسید اما چه کسی جرات داشت آنها را منتشر کند و خود را با شاخ سپاه درگیر کند؟ بهانه ها همه جنگی و نظامی و امنیتی بود. مثلاً می گفتند هر نوع عکس یا فیلمبرداری خلاف امنیت پایگاه نظامی سپاه است.

مسعود هاشم زهی معاون منطقه آزاد چابهار که از بلوچ های اصلاح طلب بود و دو سال بعد هنگامی که نماینده خاش در مجلس بود یکبار پا پیش گذاشت و خواست مقابل سپاه بایستند. مدتی بعد همراه دکتر علیرضا نوری برادر عبدالله نوری در تصادف مشکوکی در راه شمال کشته شد.

این حساسیت ها که نشان می داد کاسه ای زیر نیم کاسه است، اغلب تحت عنوان مقابله با جاسوسی اسرائیل و عوالمش در منطقه توجهی می شد!

سرانجام نام نیروی دریایی سپاه در چابهار يك بار دیگر بر سر زبان ها افتاد. آمریکا پس از حمله به افغانستان و سقوط طالبان مدعی شد بخشی از عوامل القاعده در افغانستان با لنج های سپاه از چابهار به دبی فرار کرده اند و کاملاً هم به نظر محتمل می آمد. حال همان ها که با لنج های سپاه رفتند، با کشی های امریکائی به بلوچستان پاکستان منتقل شده اند تا عملیات مسلحانه را در ایران ادامه بدهند!

هر بار گزارشی از این کارشکنی ها توسط دولت خاتمی به بیت رهبری و شخص رهبر بعنوان فرمانده کل قوا داده شد، پاسخ ثابت بود: در هر امر ملکی در منطقه باید از مقام معظم رهبری استعلام شود و در مقدمه این پاسخ؛ با پیشنهاد ارائه شده مخالفت شده بود.

راه توده ۱۵۰ ۲۴,۰۹,۲۰۰۷